

باسمه تعالی

نگاهی بر دیدگاه های علما و بزرگان اهل سنت درباره ی حضرت امام صادق (ع)

مالک بن انس (پیشوای مذهب مالکی) گوید:

هیچگاه ندیدم ایشان را مگر بر سه خصلت نیک یا نماز منخواند و یا روزهدار بود و یا به تلاوت قرآن مشغول بود و هیچگاه ایشان را ببوضو ندیدم

(تهذیب التهذیب ج ۲ ص ۱۰۴)

همچنین گوید:

و لقد كنت أتى جعفر بن محمد و كان كثير المزاح و التبسم، فاذا ذكر عنده النبي(ص) اخضر و اصفر، و لقد اختلفت اليه زمانا و ما كنت اراه الا على ثلاث خصال: اما مصليا و اما صائما و اما يقراء القرآن. و ما رأيته قط يحدث عن رسول الله(ص) الا على الطهاره و لا يتكلم في ما لا يعنيه و كان من العلماء الزهاد الذين يخشون الله و ما رأيته قط الا يخرج الوساده من تحته و يجعلها تحتى

مدتی به حضور جعفر بن محمد می رسیدم. آن حضرت اهل مزاح بود. همواره تبسم ملایمی بر لب هایش نمایان بود. هنگامی که در محضر آن حضرت نام مبارك رسول گرامی اسلام به میان می آمد، رنگ رخساره های جعفر بن محمد به سبزی و سپس به زردی می گرایید. در طول مدتی که به خانه آن حضرت آمد و شد داشتیم، او را ندیدم جز این که در یکی از این سه خصلت و سه حالت به سر می برد، یا او را در حال نماز خواندن می دیدم و یا در حالت روزهداری و یا در حالت قرائت قرآن. من ندیدم که جعفر بن محمد بدون وضو و طهارت از رسول خدا حدیثی نقل کند. من ندیدم که آن حضرت سخنی بی فایده و گزاف بگوید. او از عالمان زاهدی بود که از خدا خوف داشت. ترس از خدا سراسر وجودش را فراگرفته بود. هرگز نشد که به محضرش شرفیاب شوم، جز این که زیر اندازی که زیر پای آن حضرت گسترده شده بود، آن را از زیر پایش برمی داشت و زیر پای من می گستراند (التوسل و الوسيله، ص ۵۲)

حسین بن یزید نوفلی می گوید:

سمعت مالك بن انس الفقيه يقول والله ما رأت عيني افضل من جعفر بن محمد عليهما السلام زهدا و فضلا و عباده و ورعا. و كنت اقصده فيكرمني و يقبل علي فقلت له يوما يابن رسول الله ما ثواب من صام يوما من رجب ايمانا و احتسابا فقال (و كان والله اذا قال صدق) حدثني ابيه عن جده قال رسول الله(ص) من صام يوما من رجب ايمانا و احتسابا غفر له. فقلت له يابن رسول الله في ثواب من صام يوما من شعبان فقال حدثني ابي عن ابيه عن جده قال رسول الله(ص) من صام يوما من شعبان ايمانا و احتسابا غفر له

از مالك بن انس شنیدم که گفت: به خدا سوگند! چشمان من ندید فردی را که از جهت زهد، علم، فضیلت، عبادت و ورع برتر از جعفر بن محمد باشد. من به نزد او می رفتم. او با روی باز مرا می پذیرفت و گرامی می داشت. روزی از او پرسیدم: ای پسر پیامبر! ثواب روزه ماه رجب چه میزان است؟ او در پاسخ روایتی از پیامبر نقل کرد. به خدا سوگند هرگاه چیزی از کسی نقل کند درست و راست نقل می کند. او در پاسخ گفت: پدرم از پدرش و از جدش و از پیامبر نقل کرده است که ثواب روزه ماه رجب این است که گناهانش بخشیده می شود. سپس این پرسش را در باره روزه ماه شعبان هم بیان کردم و حضرت همان پاسخ را داد.

(امالی صدوق، ص ۴۳۵ و ۴۳۶، ح ۲)

در علم و عبادت و پرهیزگاری، برتر از جعفر بن محمد هیچ چشمی ندیده و هیچ گوش‌ی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است (تهذیب التهذیب، ط ۱، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ه.ق. ج ۱، ص ۸۸)

ابوحنیفه (پیشوای مذهب حنفی) گوید:

ما رأیت افقه من جعفر بن محمد و انه اعلم الامه

فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. او داناترین فرد این امت است

(تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶)

و نیز گوید:

لولا جعفر بن محمد ما علم الناس مناسك حجهم

اگر جعفر بن محمد نبود، مردم احکام و مناسک حجشان را نمی‌دانستند

(من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۹، طبع قم، نشر اسلامی)

در «جامع المسانید» ابوحنیفه چنین آمده است:

روزی ابوحنیفه در مراسم حج نزد امام صادق (ع) آمد و امام با او معانقه نمود و از احوال او و خانواده‌اش را پرسید. فردی سؤال کرد: آیا این مرد را می‌شناسی؟ امام فرمود: من از احوال او و خانواده‌اش می‌پرسم و تو می‌پرسی آیا او را می‌شناسی؟ این ابوحنیفه فقیه‌ترین مردم شهر خود است

فردی نزد ابوحنیفه آمد و گفت: نذر کرده‌ام مقداری پول به امام عادل بدهم، پیشنهاد می‌کنی به چه کسی بپردازم؟ ابوحنیفه گفت: اگر می‌خواهی امام عادل را بشناسی و مالت را به او بدهی، پس او را به جعفر بن محمد (ع) بده

ابوحنیفه روزی به در منزل امام صادق (ع) آمد. امام (ع) از خانه خارج شد؛ در حالی که به عصا تکیه داده بود. ابوحنیفه به حضرت گفت: ای ابا عبدالله (ع) این عصا چیست؟ سن و سال تو اقتضا ندارد که به عصا نیاز داشته باشی؟ امام فرمود: بلی، اما این عصای رسول خدا (ص) است و می‌خواهم به آن تبرک بجویم. ابوحنیفه گفت: اگر می‌دانستم این عصای رسول خدا (ص) است، بلند می‌شدم، آن را می‌بوسیدم. امام فرمود: سبحان الله: و از آنج ابوحنیفه کشید و با اشاره به مو و پوست بدن خود فرمود: ای نعمان تو می‌دانی که این موی از موی رسول خدا (ص) و این پوست از پوست آن حضرت است، پس چرا نبوسیدی؟ ابوحنیفه خم شد تا دست امام را ببوسد

(بحار الانوار، ج ۱۰، باب ۱۳، ص ۲۲۲، ح ۲۳)

هذا ابوحنيفة و هو من اهل السنة يفتخر و يقول بأفصح لسان: لولا السنن لهلك النعمان

(الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۸)

ابوزهره از اساتید معروف دانشگاه الازهر معتقد است مراد از دوسال در جمله معروف: لولا السنن لهلك النعمان، همان دوسالی است که ابوحنیفه از «ابن هبیره» به حجاز فرار کرد و در حجاز دوسال نزد امام صادق (ع) شاگردی نمود

شیخ طوسی ضمن تأیید مرادات و تعاملات ابوحنیفه با امام صادق (ع) در باره پذیرش مقام و مرجعیت علمی امام صادق (ع) از سوی ابوحنیفه (ره) روایتی را اینگونه نقل می‌کند:

ابوحنیفه پس از مذاکره علمی با امام صادق (ع) هنگام خارج شدن از خانه امام، سر حضرت را بوسید. در حالی که می‌گفت: «من آگاه‌تر از جعفر بن محمد سراغ ندارم و هیچ عالمی را مثل او ندیدم

(اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، تصحیح مصطفوی، ۱۳۴۸، ص ۹۱)

حسن بن زیاد لؤلؤی از ابوحنیفه در باره احاطه علمی امام صادق (ع) نقل می‌کند:

ایشان در جواب کسی که پرسید امام کیست؟ ابوحنیفه گفت: او جعفر بن محمد است

(اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، تصحیح مصطفوی، ۱۳۴۸، ص ۹۱)

ابوحنیفه هرگاه خدمت ایشان (امام صادق (ع)) می‌رسید او را جز با جملات: جعلت فداک سیدی و مولای، خطاب نمی‌کرد.

ابن حجر عسقلانی گفته است: اسحاق بن را هویه گفت به شافعی (پیشوای مذهب شافعی) گفتم: جعفر بن محمد نزد تو چگونه است؟ شافعی گفت: مورد اعتماد و اطمینان کامل من است

(تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۳)

ابونعیم اصفهانی در کتابش از عمرو بن المقدم نقل می‌کند که گفت:

كنت اذا نظرت الى جعفر بن محمد علمت انه من سلاله النبيين

چون نگاه به جعفر بن محمد می‌کردم مدانستم که او از سلاله پیامبران است

(حلیة الاولیاء، ج ۳، ص ۱۹۳)

ابن حجر عسقلانی از قول ابن حبان درباره امام صادق(ع) میگوید:

وی از سادات اهل بیت است که فقیه و علیم و فاضل بود و به سخنش نیازمند بودیم... وی تنها کسی بود که همه فقها و علما و فضلا محتاج و نیازمند سخنش بودند

(تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴)

ذهبی در کتاب خود موسوم به تذکرة الحفاظ منویسد:

قال ابو حاتم: ثقة لا یسأل عن مثله

(امام صادق) آنگونه مورد اطمینان است که از کسی همانند او سؤال نمیشود

(تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۱۶۶)

شهرستانی در کتاب خود درباره عظمت و بزرگی حضرت صادق(ع) منویسد:

وی به جهت شدة محبتی که به انس با خدا داشت، وحشت داشت که با مردم تماس داشته باشد و همواره از مردم دوری میگزید و معتقد بود هر کس با غیر از خدا مانوس شد متوجه وسواس میشود

(الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۶)

ابن حجر هیثمی در کتاب خود موسوم به الصواعق المحرقة موضوعی را در رابطه به اینکه شش فرزند از سلاله پاک محمد بن علی(علیهما السلام) به دنیا آمدند که افضل و کاملتر از همه آنها امام جعفر صادق(ع) بودند که پس از وی خلیفه و وصی ایشان شدند و مردم از علوم منتشره ایشان به تمامی شهرها سخن گفته اند و پیشوایان بزرگی از او حدیث روایت کرده اند

(الصواعق المحرقة، ص ۱۲۰)

همچنین می نویسد:

به قدری علوم از او نقل شده که زبانزد مردم گشته و آوازه آن، همه جا پخش شده است و بزرگترین پیشوایان (فقه و حدیث) مانند: یحیی بن سعید، ابن جریح، مالک، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابو حنیفه، شعبه و ایوب سجستانی از او نقل روایت کرده اند

(الصواعق المحرقة، ط ۲، قاهره، مکتبه القاهره، ۱۳۸۵ ه.ق، ص ۲۰۱)

ابن جوزی می نویسد:

كان (جعفر بن محمد) مشغولا بالعبادة عن حب الرياسة

جعفر بن محمد، مشغولیت فراوانش به عبادت او را از عشق ریاست بازداشته بود

(صفة الصفاة، ج ۲، ص ۱۶۸، رقم ۱۸۶)

شبلنجی در کتاب معروفش به اسم نور الابصار نوشته است:

كان جعفر الصادق(رضی الله عنه) مستجابالدعوة و اذا سأل الله شيئاً لم يتم قوله الا و هو بين يديه

جعفر صادق(ع) مستجاب الدعوه بود و دعایش همیشه مورد قبول حق تعالی واقع میشد و چون از خداوند چیزی درخواست هنوز قولش پایان نیافته بود چیز مورد نظر برایش مهیا بود

(نور الابصار، ص ۱۷۰)

ابن خلکان در کتاب خود موسوم به وفيات الاعيان اظهار داشته است:

و كان من سادات اهل البيت و لقب بالصادق لصدقه في مقاله... و كان تلميذه ابوموسی جابر بن حیان الصوفی الطرسوسی قدألف كتاباً يشتمل على ألف ورقة تتضمن رسائل جعفر الصادق و هي خمس مائة رسالة

حضرت امام جعفر صادق(ع) از سادات اهل بیت(عهم) بشمار مرود و بدلیل راستگویی در گفتارش ملقب به صادق شده است... و ابوموسی جابر بن حیان یکی از شاگردان اوست که کتابی مشتمل بر هزار برگ تألیف نموده که متضمن رساله‌های امام جعفر صادق(ع) است که مقدار آنها به پانصد رساله می‌رسد

و نیز گوید:

احد الاثمه الاثنی عشر علی مذهب الامامیه و كان من سادات اهل البيت و لقب بالصادق لصدق مقاله و فضله اشهر من ان يذكر

و یکی از امامان دوازده‌گانه امامیه و از بزرگان اهل بیت رسول خدا بود. به جهت صدق در گفتارش به لقب صادق شهرت یافت و فضل او مشهورتر از آن است که نیازمند به توضیح داشته باشد

(وفیات الأعیان، ج ۱، ص ۲۹۱)

خير الدين الزركلي در كتاب الاعلام درباره امام جعفر صادق(ع) نوشته:

كان من أجلأء التابعين و له منزلة رفيعة في العلم. أخذ عنه جماعة، منهم الإمامان ابوحنيفة و مالك و لقب بالصادق لأنه لم يعرف عنه الكذب قط له اخبار مع الخلفاء من بني العباس و كان جريئاً عليهم صداعاً بالحق

جعفر صادق(ع) از بزرگان تابعین بشمار مرود و در علم و دانش دارای منزلتی رفیع است و جماعت زیادی از او کسب علم کرده‌اند که از جمله آنها دو نفر از پیشوایان اهل سنت امام ابوحنیفه و امام مالک هستند و لقبشان صادق است بخاطر اینکه هرگز کسی از او کذب نشنیده است و در خبرهای مربوط به او آمده است که وی برای اعتلاء حق پیوسته علیه خلفای بنی عباس در ستیز بوده و به مبارزه پرداخته است

(الاعلام، ج ۲، ص ۱۲۱)

محمد فرید وجدی در دائرة المعارف مشهور خود از امام جعفر صادق(ع) صحبت به میان آورده منویسد:

ابو عبدالله جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین ابن الحسین بن علی ابن ابیطالب هو احد الأئمة الاثني عشر علی مذهب الامامية کان من سادات اهل البيت النبوی، لقب الصادق لصدقه فی کلامه کان من افاضل الناس

ابو عبدالله جعفر الصادق فرزند محمد باقر فرزند علی زین العابدین فرزند حسین فرزند علی فرزند ابیطالب یکی از ائمه دوازده گانه مذهب امامیه است وی از سادات نبوی(ص) میباشد و به دلیل صداقت در گفتارش به صادق ملقب شده است و یکی از بزرگان زمان خود در میان مردم است (دائرة المعارف، ج ۳، ص ۱۰۹)

محمد ابوزهره در کتابی که به نام الامام الصادق به رشته تحریر کشیده است درباره حضرت منویسد

امام صادق(ع) در طول مدت زندگی پربرکتش همیشه در طلب حق بود و هرگز پردهای از ریب و شک و تردید بر قلب او مشاهده نشد و کارهایش به مقتضیات کج اندیشی سیاستمداران زمانش رنگ نباخت و لذا هنگامی که رحلت فرمود عالم اسلامی فقدان او را کاملاً حس کرد زیرا که یاد او هر زبانی را عطرآگین مساخت و همه علماء و اندیشمندان بر فضل او اجماعاً معترفند... علمای اسلام در هیچ مسأله ای آنگونه که بر فضل امام صادق و دانش او اجماع نموده اند علیرغم اختلاف طوائفشان در امری به این شکل اجماع ننموده اند و تعداد زیادی از ائمه اهل سنت هستند که معاصر با ایشان بودند و هم عصر با ایشان زیسته و از محضر مبارکشان فیض برده اند و بدین سان وی به پیشوایی علمی زمانش کاملاً شایسته بوده همچنانکه این شایستگی را قبل از او پدر و جدش و نیز عمویش زید رضی الله عنهم اجمعین داشته اند. و همه پیشوایان راه هدایت به آنها اقتداء نموده و از حرفهای آنها اقتباس نموده اند

(الإمام الصادق، ص ۶۵ و ۶۸)

در ارتباط با مناقب امام جعفر صادق(علیه السلام) مطالب قابل توجهی را ذکر نموده است در این باره منویسد

مناقب جعفر الصادق(علیه السلام) فاضلة أو صفاته فی الشرف كاملة، و شرفه علی جبهات الأيام سائلة، و أندية المجد و الغر بمفاخره و مآثره أهلة (الفصول المهمة، ص ۲۳۰)

ابو بحر جاحظ گوید: جعفر بن محمد کسی است که علم و دانش او جهان را پر کرده است و گفته می شود که ابوحنیفه و همچنین سفیان ثوری از شاگردان اوست، و شاگردی این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است

(الإمام الصادق و المذاهب الاربعه، ط ۲، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۰ ه.ق. ج ۱، ص ۵۵ (به نقل از رسائل جاحظ))

ابن شبرمه قاضی و فقیه نامدار کوفه، درباره امام صادق (ع) می‌گوید:

ما ذکرت حدیثاً سمعته من جعفر بن محمد علیه السلام الا کادان یتصرع له قلبی سمعته یقول حدثنی ابی عن جدی عن رسول الله... واقسم بالله ما کذب علی ابیه و لا کذب ابوه علی جدّه و لا کذب جدّه علی رسول الله

به یاد ندارم حدیثی را از جعفر بن محمد شنیده باشم جز این که در عمق جانم تاثیر گذاشته باشد. از او شنیدم که در نقل حدیث می‌گفت که از پدرم و از جدم و از رسول خدا این روایت را نقل می‌کنم به خدا سوگند! نه جعفر بن محمد در نقل روایات از پدرش دروغ می‌گفت و نه پدرش بر جدش دروغ می‌گفت و نه او بر پیامبر

(امالی للصدوق ص ۳۴۳، ح ۱۶)

ابن ابی لیلی فقیه، محدث، مفتی و قاضی بنام کوفه نزد امام صادق علیه السلام رفت و از آن حضرت پرسش‌هایی نمود و پاسخ‌های خوبی شنید. سپس به امام خطاب کرد و عرض نمود:

اشهد انکم حجج الله علی خلقه

شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خداوندی بر بندگانش هستی

(من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۵۶۹)

عمرو بن عبید معتزلی به نزد امام صادق (ع) مشرف شد، وقتی رسید این آیه را تلاوت نمود:

"الذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش"

سپس ساکت شد. امام صادق (ع) فرمود: چرا ساکت شدی؟ گفت: خواستم که شما از قرآن گناهان کبیره را یکی پس از دیگری برای من بیان نمایید. حضرت شروع کرد و به ترتیب از گناه بزرگ‌تر یکی پس از دیگری را بیان نمود. از بس که امام خوب و عالی پاسخ عمرو بن عبید را داد که در پایان عمرو بن عبید بی‌اختیار گریست و فریاد زد:

هلاک من قال براءیه و ناز عکم فی الفضل و العلوم

هر کس به رای خویش سخن بگوید و در فضل و علم با شما منازعه کند، هلاک می‌شود

(کافی، ج ۲، ص ۲۸۷-۲۸۵)

شمس الدین الذهبی در کتاب میزان الاعتدال می‌نویسد:

جعفر بن محمد یکی از امامان بزرگ است که مقامی بس بزرگ دارد و نیکوکار و صادق است